



سینمای ایران، از سال ۱۳۶۲، دوره فعلی خود را آغاز کرد و این آغاز، مبتنی بر پیش فرض‌ها و تحلیل‌هایی بود از پیشینه سینما (در پیش از انقلاب) افت‌های پیش‌رو، آرمان‌ها و امکانات. بدین ترتیب، سال به سال، بر پایه‌اقدامات انجام‌گرفته، ضوابط و سیاست‌هایی تدوین و اجرا شد. آنچه از سال ۶۲ تا ۷۲ به اجرا درآمد، مرحله به مرحله، برنامه‌ای بلند مدت را شکل داده بودند. بدین ترتیب که با محدود کردن نمایش فیلم‌های خارجی، تلاش برای تقویت جریان تولید فیلم سینمایی ایرانی، پرورش نیروی انسانی مورد نیاز، تأمین امکانات با یارانه‌های قابل توجه، سال به سال ساختار سینمای نوین ایران، کامل‌تر شد و به تدریج از مرزهای داخلی گذر کرده و به سایر محافل سینمایی راه یافت. مدیریت حاکم بر سینمای ایران در این ده سال، با اتکا به مطالعات صورت گرفته و شناخت از موقعیت و وضعیت موجود، به طراحی برنامه‌ای بلندمدت اقدام کرده بود. اما پس از سال ۷۲مدیریت‌های متغیر و کم دوام برخلاف گروه قبلی که ده سال بر این مسند ماندند با تدوین و ابلاغ سیاست‌های سالانه، از برنامه بلند مدت دور شدند. آنچه در عمل صورت می گرفت، واکنش به رویدادهای روزمره بود. بدین ترتیب که با سنجش وقایع در طول سال، اقدام به تنظیم سیاست‌های سال بعد می کردند و البته، بقای مدیران سینمایی، حتی برای چهار سال، نتوانست آن اطمینان را پیش آورد که برنامه‌ای بلند مدت تدارک دیده شود. تنها وجه اشتراک همه مدیریت‌ها، تدارک سیاست‌های سینمایی سالانه بود.

به هر شکل، سینمای ایران، بدون هیچ طرح و بینش پخته و سنجیده، سال‌ها را پشت سر گذاشت و حتی از توفیقات بین‌المللی، بهره‌ای نبرد. سالن‌های سینما در طی بیست سال، با کمترین تغییر در تعداد روبه‌رو بودند و حتی چندسالن مطرح و مؤثر، دچار حادثه شده یا تغییر کاربری دادند و از چرخه نمایش فیلم خارج شدند. امکانات فنی سینمای ایران، آنچنان بهبود نیافت و همچنان کمبود تجهیزات نوین و پیشرفته احساس می‌شود. سینماگران مانند همیشه نیازمند وام‌ها و تسهیلات مادی دستگاه دولتی هستند و همچنان، بحث چگونگی تصویب فیلمنامه‌ها یا صدور پروانه نمایش یا قیمت بلیت و تشویق مدیران سینماها به بازسازی و ارتقای کیفیت سالن‌ها و مانند آن را شاهدیم.

اکنون در سال ۸۱هستیم و دوباره سیاست‌هایی جدید را در پیش رو داریم. سیاست‌هایی که در نخستین لحظات اعلام آن، واکنش‌های چندان خوشایندی نیافت و بعضی افراد، از ابهامات آن گفتند، گویا سیاست‌های اعلام شده قبلی معاونت امور سینمایی، مبنای اصلی تنظیم این برنامه بوده است و تنها تغییراتی اندک متناسب با زمان، در آن داده شده است. در میان محورهای مطرح در سیاست‌ها، سه عنوان واکنشی دیده می‌شود: همسویی بیشتر آثار سینمایی با علایق و نیازهای اصیل مخاطبان، رعایت مصالح فرهنگی جامعه در تولید و نمایش، رعایت اعتدال و تنوع در مضامین فیلم‌ها. این سه نکته از شش محور اصلی، پاسخی به وضعیت سینمای ایران در سال ۸۰است. همسویی با نیاز «اصیل» مخاطبان و رعایت مصالح فرهنگی جامعه و ماجرای اعتدال و تنوع، نکاتی است که به ویژه در شش ماه نخست سال گذشته و در پی اکران فیلم‌های مرتبط با ناهنجاری‌های اجتماعی، مطرح شده بود.

بدون هیچ تغییری، ساخت فیلم سینمایی منوط به دریافت پروانه ساخت از اداره کل نظارت و ارزشیابی است. پروانه‌ای که برخلاف گذشته، غیر قابل انتقال است. در سال گذشته، فیلم «زندان زنان» به نام جمشید آهنگرانی آغاز شد اما همسرش منیژه حکمت، آن را ساخت و اکتون، درگرفتن پروانه نمایش، به تأخیر دچار شده است و یکی از احتمالات مطرح، همین قضیه تعویض به شمار می‌رود.

توانایی حرفه‌ای عوامل و نبودن سابقه تخلف حرفه‌ای در آنها، در صدور مجوز مؤثرند.

اما ملاک شناسایی توانایی حرفه‌ای و عدم تخلف چیست؟

هر گونه عرضه و نمایش عمومی فیلم، با مجوز اداره نظارت و ارزشیابی میسر است. این قید و همچنین اقدام به ساخت، متکی بر قانون تأسیس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که طی آن، هر گونه فعالیت فرهنگی و هنری با مجوز و نظارت این وزارتخانه صورت خواهد گرفت. تنها نکته متفاوت این است که شوروی بازبینی، فیلم‌هایی را که تماشای آنها صفرآبری گروه‌های سنی بزرگسال مناسب می‌باشد، مشخص می‌کند. اطلاع رسانی مناسب در مورد فیلم‌های مشمول این ماده… جهت آگاهی مخاطبان الزامی است. و این نکته، این استنباط را



# تحلیلی بر ضوابط و روش‌های اجرایی و برنامه‌های حمایتی مربوط به تولید و نمایش فیلم‌های سینمایی در سال ۱۳۸۱

# سیاست‌های سینمایی سال ۸۱

# شتابزده، ناهماهنگ، نارسا

### حسین سلطان محمدی

گرفته‌شود، درباره هیچ فیلمی در سینمای ایران، امکان ندارد آمار دقیق تهیه شود. یا صاحب سالن، آمار کامل رانمی‌دهد یا دفتر پخش. سال گذشته، هیچ‌کس نتوانست دریابد که مثلاً فیلم «تازن و تارزان» چقدر فروخت. زیرا مالک فیلم، پرهیز کرد و بنیاد فارابی هم که آمار ی را گرد می‌آورد، چنین آماری را منتشر نکرد. در سال جاری، مالکان فارچ سمی ادعایی داشتند، آمار فارابی در مقطعی، فیلم «ترانه» را پرفروش می‌دانست و آمار هفته‌نامه سینما به برتری فیلم «مراحم» صحه می‌گذاشت. هیچ‌کس نمی‌تواند در سینمای ایران، آمار دقیق فروش را دریابد، چه پرسد به پردازش آنها و سایر موارد. آیا این جمله، از محدوده کلمات خارج می‌شود؟

اکران فیلم به قرارداد دفاتر پخش و صاحب فیلم و صاحب سالن منوط می‌شود، سپس در نظارت بر آن، دیدگاه کارگردان را دخیل می‌دانند و در مرحله سوم و برای رفع اختلافات به کمیته عالی نظارت بر اکران متوسل شده‌اند و دست آخر، همه اینها پس از تأیید مدیر کل نظارت و ارزشیابی قابل اجرا خواهد بود. چرا؟! اگر چه نمی‌توان به مدیران سینمایی وزارت ارشاد خرده گرفت، زیرا اینها تابعی از قانون تأسیس وزارت ارشاد است و هر گاه آن قانون تغییر کرد، این قید قابل درگرونی است.

برای اختصاص امکانات محدود دولتی و بهره‌مندی از یارانه‌ها، اعلام کرده‌اند که فیلم‌های با کیفیت برتر را اولویت می‌دهند. بنابراین، باید برای شناسایی کیفیت برتر معیار داشت و این معیار را چه کسی تشخیص می‌دهد: شورای کارشناسی حمایت از تولید که در بنیاد سینمایی فارابی تشکیل می‌شود.این شورا، با توجه به توانایی حرفه‌ای نیروی انسانی مطرح در ساخت فیلم و فیلمنامه موجود، باید «پیش‌بینی کیفیت» کند و سپس بر مبنای این پیش‌بینی، میزان حمایت دولتی را تعیین کند. برای پیش‌بینی هم، چهار معیار آورده‌اند: جهت فرهنگی و نیاز مخاطب، نوآوری محتوایی، نوآوری هنری و سینمایی، قدرت جذب مخاطب. این یعنی

عده‌ای می‌نشینند و به تولید فیلم‌هایی یاری می‌رسانند که خودشان تشخیص می‌دهند درست

است و به صورت تعیینی، انتظار دارند که در سال ۸۲ که موقع اکران تولیدات ۸۱ است، این

پیش‌بینی درست از آب درآید و معلوم نیست اگر شرایط سال آینده، مطابق این پیش‌بینی نبود، خسارت در اختصاص نایجای امکانات محدود دولتی، چگونه تأدیهِ خواهد شد؟ شاید هم مجبور شوند برای به توفیق رساندن این فیلم‌های حمایت‌شده، در موقع اکران هم امتیازهایی به آنها بدهند.

درجه‌های اختصاصی این کارشناسان، درجه‌کیفی مطلوب (الف) یا خوب (ب) است و مجموع تسهیلات حمایتی برای تولید چنین فیلم‌هایی، برای فیلم «الف» تا ۶۰درصد و برای فیلم «ب» تا ۴۵درصد مجموع هزینه‌های تولید است و همان‌طور که در سطور قبلی آوردیم،



مطابق ماده ۲۴، برای این فیلم‌های حمایتی، در مرحله نمایش هم اولویت قائل می‌شوند. یعنی پیامد سیاست‌های سال ۸۱، تا سال ۸۲ادامه می‌یابد.

برای ارائه تسهیلات حمایتی در مرحله نمایش، یک شورای دیگر در فارابی تشکیل می‌شود، اگر چه مشخص نیست این شورا برای تولیدات ۸۱نظر می‌دهد یا تولیدات ۸۰ چنانچه آن را در امتداد سیاست‌های ۸۱بدانیم، باید سال دیگر تشکیل شود که تولیدات حمایتی سال ۸۱به مرحله نمایش می‌رسد و اگر چنین باشد، چرا در سیاست‌های سال ۸۱آمده است؟ در این شورای کارشناسی حمایت از نمایش فیلم‌های مورد نظر، قرار است از مطبوعات و صاحبزنانی که نماینده افکار عمومی محسوب می‌شوند بهره‌گیرند زیرا اینان واجد آگاهی از مصالح و نیاز فرهنگی مخاطب دانسته‌شده‌اند. حالا چه صاحبزنانی چنین‌اند و چه کسی آنان را انتخاب می‌کند؟

و البته تسهیلات حمایتی هم در اندازه تأمین کپی فیلم است و ارائه مواد خام مصرفی رایگان که مواد مصرفی رایگان فقط برای کپی نمایش سالن‌هایی به کار می‌آید که در فهرست سالن‌های تحت حمایت معاونت امور سینمایی منظور شده‌اند. بدین ترتیب، متوجه شدیم که قرار است از بعضی سالن‌ها هم حمایت شود. این سالن‌ها برای فیلم‌های «الف» ظاهرأ به تعداد ۵ کپی دریافت می‌کنند (یعنی ۵ سالن هستند) و برای فیلم‌های «ب» سه کپی. در تبلیغات هم، دولت از این فیلم‌ها حمایت می‌کند. برای جذب مخاطب بیشتر به این فیلم‌ها، بلیت‌های تخفیف دار در اختیار گروه‌های دانش‌آموزی، دانشجویی، کارمندی و کارگری گذاشته می‌شود و حقوق تضمینی غیر سینمایی اعم از تلویزیونی، ویدئویی، فیلمخانه‌ای و فرهنگی داخل و خارج از کشور هم تا سقف ۵۲میلیون تومان برای فیلم «الف» و ۳۵میلیون تومان برای فیلم «ب» خریداری می‌شود. معلوم نیست اگر کارشناسان شورای نخست تشخیص داده‌اند که فیلم از درجه کیفی «الف» یا «ب» برخوردار است و می‌تواند مخاطب جذب کند و به نیاز مخاطبان پاسخ دهد و مصالح فرهنگی را مراعات کند، چرا در هنگام نمایش، همچنان آن را حمایت می‌کنند؟ این فیلم‌ها که به تهنایی قدرت دارند از نظر اقتصادی توفیق یابند مگر اینکه معتقد باشیم که شورای اول می‌تواند تشخیص کامل ندهد و اکنون شورای دوم باید میزان حمایت را مشخص کند. بدین ترتیب، برای قرار گرفتن در فهرست فیلم‌های متقاضی امکانات و گرفتن درجه کیفی، روابط شخصی پیش خواهد آمد و آنجاست که استحکام ضوابط سنجیده می‌شود.

اعلام کرده‌اند اگر سالی در جهت بهبود تجهیزات خود تلاش کند، تا سقف ۶۰درصد هزینه مورد نیاز، به مالک آن، تسهیلات وام بلاعوض یا کم بهره می‌دهند. چه کسی تشخیص می‌دهد به کدام سالن وام بلاعوض دهند و به کدام سالن، وام کم بهره؟ چه نظارتی بر آن می‌شود؟ و اصولاً چرا به همه سالن‌ها، یکسان نظر نمی‌شود؟

در ماده ۲۸آورده‌اند که سالن‌های سینمایی که به تشخیص کارشناسان معاونت سینمایی، مدیریت و فضای نسبی مطلوب دارند اما به دلیل موقعیت جغرافیایی یا دلایل دیگر نمی‌توانند کپی فیلم را در زمان مناسب تهیه کنند، می‌توانند از سهمیه کپی رایگان استفاده کنند. ما که متوجه نشدیم چرا نمی‌توانند کپی در زمان مناسب تهیه کنند؟ آیا ماشین حمل کپی ندارند؟ یا دلیل دیگری است. مثلاً در کوهستان است، جاده ماشین‌رو نیست… هر چه باشد بالاخره باید کپی فیلم داشت تا نمایش داد. ماده ۲۸ به چه معناست؟

آخرین نکته به قیمت بلیت مربوط است.بهای بلیت سینماهای ممتاز را توافق مکتوب پخش‌کننده و مدیریت سالن سینما و اطلاع اداره کل نظارت و ارزشیابی مشخص می‌کند و در اینجا، شورای صنفی اکران، صاحبزنتشخیص داده نشده است. بهای بلیت سینماهای درجه یک، دو و سه را نیز، پیشنهاد کمیته عالی نظارت بر اکران و تصویب اداره کل نظارت و ارزشیابی مشخص می‌کند. چرا کمیته عالی؟ این کمیته که برای نظارت بر فعالیت‌های شورای صنفی اکران و ورود به حوزه پیشنهاد و انتقاد و شکایت و تصمیم‌گیری در جهت رفع اختلاف بین اعضای شورای اکران تشکیل شده، چرا باید قیمت بلیت را تعیین کند؟

به نظر می‌رسد در تنظیم سیاست‌های سینمایی سال ۸۱، شتاب بسیار دیده می‌شود و نکات بسیاری، بدون اعلام نظر، مغفول مانده است، مواردی نظیر نحوه ایجاد تنوع موضوعی در فیلم‌ها که معلوم نیست چگونه رخ می‌دهد.